یادداشت

دکتر حسن خلیل خلیلی

اشرافیت دولتی!

«با وجود گذشت ۱۵ سال از فرمان ۸ ماده‌ای و هشدارآمیز رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در خصوص مبارزه همه‌جانبه و سازمان‌یافته با مفاسد مالی و اقتصادی، متأسفانه طی این مدت با بروز مفاسد اقتصادی ریز و درشت در کشور روبه‌رو شده‌ایم که رهبر معظم انقلاب در دیدارهای مختلف با مسئولان اجرایی، قوه قضائیه و قوه مقننه از بی‌توجهی نسبت به مبارزه با مفاسد اقتصادی و به ویژه اشرافیگری که در بین برخی از طبقات جامعه و مسئولان رسوخ و نفوذ کرده است، انتقاد دارند.» انتشار اخبار مختلف از مفاسد اقتصادی که طی سال‌های گذشته با نام پرونده‌های فاضل خداداد در دهه ۷۰، شهرام جزایری در دهه ۸۰ و مه‌آفرید خسروی و بابک زنجانی در دهه ۹۰ و اینک فیش‌های حقوقی برخی از مدیران دولتی، شناخته شده‌اند، حکایت از نادیده گرفتن هشدارها نسبت به گسترش مفاسد اقتصادی دارند. اگرچه، مسئولان از مقابله با فساد اقتصادی استقبال کردند، اما اگر همان ۱۵ سال گذشته که رهبری با تیزبینی تمام ضرورت مبارزه سازمان‌یافته با مفاسد اقتصادی را درک کردند و دستور مبارزه با فساد را به سایر قوا صادر کردند به این توصیه‌ها عمل می‌شد، هیچگاه دچار چنین حوادث تلخی در ایران نمی‌شدیم. متأسفانه گویا آن روحیه شهادت‌طلبی و اخلاص فی‌سبیل‌الله در اوایل انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در بین برخی از مسئولان چنان با زر و زور و تزویر آلوده شده که دیگر کسی را یارای سخن گفتن از ساده‌زیستی نیست!

دیگر کاخ و کوخ چنان درهم مشتبه شده که فقط روحیه کوخ‌نشینی آن هم در رؤیاهای کودکانه کافی است و نیازی به زندگی در کنار مستضعفین نیست! می‌توان در کاخ‌ها هم سکنی گزید و از صدور انقلاب پابرهنگان و شهادت در راه مستضعفین لقلقه زبان ساخت!

می‌توان در قصرهای فرعونی نشست و سیر الی‌الله کرد که نه حاجتی به زهد از دنیا می‌طلبد و نه فرار از لذات فانی!

در بزنگاه تاریخی، مسیر انقلاب در قبضه نااهلانی قرار گرفته که پیر مرادمان همواره ترس از آن داشت: «نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد» و پیوسته توصیه می‌شد که مسئولان از طبقات متوسط رو به پایین باشند تا به واسطه درک درد و رنج و مشکلات شدید مالی طبقات ضعیف جامعه، شب و روز برای بهبود وضعیت طبقات مختلف جامعه و به ویژه ضعفا و محرومان، تلاش دلسوزانه کنند. اما بی‌اغراق باید گفت متأسفانه اشرافیت چنان تا مغز استخوان برخی وارثان خون شهدا را در نوردیده که گویا جور تمام ناکامی‌ها و عقده‌ها و حقارت‌ها باید بر گرده این پابرهنگان و انقلابشان باشد!

سخنگوی دولت، رئیس پیشین صندوق توسعه ملی را صندوقی بین نسلی و متعلق به آیندگان این سرزمین می‌داند وی با دریافت ۳۰۰میلیون تسهیلات قرض‌الحسنه در بدو مدیریتش بر صندوق و همچنین اخذ حقوق‌های نجومی از بیت‌المال مسلمین، به‌رغم جایگاه والای عدالت در سیره سیاسی ائمه معصومین(علیهم‌السلام) که تمامی وجوه عدالت از جمله عدالت اقتصادی و قضایی و اجتماعی را در حد اعلی مورد تأکید قرار می‌دهد و به رغم توجه ویژه انقلاب اسلامی به این مسئله، متأسفانه جمهوری اسلامی در عمل و در تقابل با گرگ‌های ضدعدالت، از کاستی‌هایی رنج می‌برد که این امر به یک دردی تبدیل شده است و شب و روز پاکدستان، دلسوزان و ولایتمداران و دوستداران نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را که خون‌های پاک برای برپایی‌اش ریخته شده است، آزار می‌دهد.

پدیده‌های شومی چون معضل آقازادگی و اتفاقات ناگواری چون فسادهای کلان مالی، رانت‌جویی، انحصارطلبی، اشرافیگری، نادیده گرفتن منافع مردم مستضعف برای نیل به سودهای نجومی در بخش‌های مختلف اقتصادی، حمله به نهادهای دولتی، وابسته به دولت و به ویژه انقلابی مدافع منافع محرومان و ضعفای جامعه جهت خروج آنها از دایره اقتصادی و... راه نیل به عدالت مرضی الهی را سد کرده‌اند و با کمال افسوس، شاخ و برگ این شجره خبیثه در قالب رشوه‌گیری و رانت‌خواری و ناشایسته‌سالاری‌های خرد و کلان به سطوح مختلف دستگاه‌های حاکمیتی رسیده است و در این میان، درحالی که یکی از وجوه تأکید رهبر فرزانه انقلاب بر عدم‌برخورد شعاری با مسئله مبارزه با مفاسد اقتصادی، آن است که «عدم تطبیق عملکرد ذکر شده شما با شعارها و حرف‌هایتان موجب تخریب و انزوای گفتمان عدالتخواهی خواهد شد»، خلأها و نارسایی‌های قانونی و فقدان عزم انقلابی برخی مسئولان جهت مبارزه با مفاسد اقتصادی و ضعف سازوکارهای نظارتی، بستر رشد بی‌عدالتی را فراهم کرده است، البته در این بین نباید از نقش بی‌بدیل نفوذ و هیمنه مفسدان و عناصر ذی‌نفع در برخی دستگاه‌های اجرایی، قانونگذاری و قضایی کشور غافل شویم که خوشبختانه دستگاه قضایی در مدیریت فعلی به شدت روی مبارزه با فساد در محیط داخل و خارج از دستگاه متبوعش حساسیت ویژه‌ای دارد که این امر جای شکر دارد.

رانت‌های میلیاردی، فساد طبقاتی، اشرافیت حکومتی، نابودی اقتصاد ملی، بیکاری، اعتیاد، فقر، فحشا و هزاران درد بی‌درمان دیگر، همه و همه، نتیجه تبلیغ رسمی اشرافیگری است! امروزه در جمهوری اسلامی ایران نیز که باید طریقت اقتصاد اسلامی و عدالت در سیاست‌های اقتصادی را دنبال کنیم، حلقه‌هایی شکل می‌گیرد که تحت عناوین مختلف تلاش دارند اقتصاد سرمایه‌داری و اشرافیگری را در ایران پیاده کنند و در این بین برای خود در وادی اقتصاد چنان از مباحث اقتصادی استدلال‌های چوبین می‌سازند که عده‌ای ساده‌لوح تصور می‌کنند حلقه‌هایی چون حلقه نیاورانی‌ها قرار است اقتصاد را سروسامان دهند و رفاه عمومی را برای مردم به ارمغان آورند، غافل از آنکه در نظام سرمایه‌داری اصالت برای سرمایه‌داران است و نه فقرا و ضعفای جامعه؛ سیاستمدارانی که از طبقه اشراف نبوده، در دولت‌هایی چون سازندگی با دسترسی‌ها و نفوذی که به‌دست آورده‌اند، به‌سرعت خود را به دسته اشراف رسانده‌اند و اینک، پشت پا به گذشته و طبقه خویش زده‌اند، در واقع به مرور طبقه اشراف، از طریق رانتی که از بیت‌المال برای طبقه دوستدار و بله‌قربان‌گوی خود در نظر گرفت، جامعه اشرافی را به یک طبقه در جامعه تبدیل کرد. اینان کارخانجات کشور را ابتدا ورشکسته کرده، به اطرافیان خویش به ثمن بخس هبه کرده‌اند و در راه تکامل اشرافیگری خویش به تاراج برده‌اند! حال مسئولان و دلسوزان واقعی نظام باید در نظر داشته باشند اقتصاد از دو ناحیه داخل و خارج مورد حمله، نفوذ و تحریم قرار می‌گیرد و به نظر می‌رسد فساد اقتصادی درون کشور به یک مسئله مهم که امنیت ملی را تهدید می‌کند، تبدیل شده است.

ایران مدت‌هاست عضو کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با مفاسد شده و یکی از موضوعات مهم در این کنوانسیون، بحث شفافیت مالی مسئولان است اما فضای شفافیت مالی بین مسئولان ما وجود ندارد و هیچ اقدام شفافیت‌زایی نیز در این باره در عمل به اجرا نمی‌رسد! چه کسی می‌پذیرد که تعدادی با سوءاستفاده از موقعیت شغلی‌ای که مردم برای آنان فراهم ساخته‌اند و در دایره جمهوری اسلامی ایران است، بیت‌المال مسلمین را به یغما برند و عده‌ای از همان مردم در زیر ضربات نداری و فقر در حال جان دادن باشند؟! آیا سزاوار است که عده‌ای برای حیات دین و تقویت حاکمیت اسلامی و خدمت به مردم محروم، شبانه‌روز تلاش کنند و افراد معدودی با چپاول بیت‌المال مسلمین، حیثیت نظام و مسئولان آن را به بازی بگیرند؟! آیا مردم کوتاهی در این امر را می‌پذیرند؟ مشکل اصلی ما نبود عزم لازم در مسئولان برای مبارزه با فساد است و حاشیه امن در فساد روزبه‌روز دیوارش بالاتر می‌رود. نفی یا بی‌توجهی به این امر مهم، بنا به صراحت سخنان رهبری، «شرکت در براندازی نظام» محسوب می‌شود. تجربه کشورهای بزرگ نشان می‌دهد مبارزه با فساد دو بال دارد؛ یکی شفافیت مالی مسئولان و دیگری وجود دستگاهی ویژه برای مبارزه با فساد که هیچ‌کدام در کشور ما وجود ندارد. هرچند در کشور دستگاه‌های مختلفی ادعای مبارزه با مفاسد اقتصادی را دارند اما خودشان هم اعتراف می‌کنند که کار اصلی آنها مبارزه با مفاسد نیست. اینک، وجود یک سازمان مقتدر با افرادی قوی و نفوذناپذیر که وقتی مفسدان سر و کارشان به آنان افتاد، بدانند نفوذناپذیرند و آخر خط است، برای کشور لازم و ضروری است.

گزارش یک

محمود زارع

اسکی دولت روی بدهی بانکی

آمارهای بانک مرکزی رشد ۹۷ درصدی بدهی بخش دولتی به بانک‌ها را از ابتدای دولت یازدهم نشان می‌دهد

یکی از چالش‌های مهم نظام بانکی کشور، طلب بانک‌ها از دولت است. این مطالبات بانک‌ها از دولت باعث شده است که همواره بخشی از منابع شبکه بانکی از چرخه اقتصادی کشور خارج شود و غیرقابل استفاده باشند. به بیان دیگر، بدهی دولت به بانک‌ها موجب انجماد بخشی از دارایی‌های بانک‌ها می‌شود و در کنار حجم بالای مطالبات غیرجاری و دارایی‌های ثابت بانک‌ها، موجب تشدید معضل تنگنای مالی شده است.

با توجه به اهمیت موضوع و روند رو به رشد میزان بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی در چند سال گذشته در این گزارش به بررسی وضعیت بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی در دولت یازدهم می‌پردازیم.

رشد ۹۷ درصدی بدهی بخش دولتی به بانک‌ها

در گزارش بانک مرکزی پیرامون خلاصه دارایی‌ها و بدهی‌های سیستم بانکی، بدهی بخش دولتی به بانک‌ها از مجموع دو مقدار بدهی دولت به بانک‌ها و بدهی مؤسسات و شرکت‌های دولتی به بانک‌ها به دست می‌آید. بر اساس گزارش بانک مرکزی، بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی در پایان تیر ماه ۱۳۹۲ یعنی همزمان با آغاز به کار دولت یازدهم ۶۵ هزار و ۶۲۰ میلیارد تومان بوده است. ۶۲ هزار و ۸۵۳ میلیارد تومان از این مبلغ سهم بدهی دولت به شبکه بانکی و ۲ هزار و ۷۶۶ میلیارد تومان سهم بدهی مؤسسات و شرکت‌های دولتی به شبکه بانکی است.

طبق آخرین گزارش بانک مرکزی که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۵ منتشر شده است رقم بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی، ۱۲۸ هزار میلیارد تومان است که این رقم نسبت به تیر ماه سال ۱۳۹۲، ۹۷ درصد رشد داشته است. طبق همین گزارش از مبلغ ۱۲۸ هزار میلیارد تومان بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی، میزان ۱۲۵ هزار میلیارد تومان سهم بدهی دولت به شبکه بانکی است که نسبت به تیر ماه ۱۳۹۲، رشدی ۹۸ درصدی داشته است. همچنین سهم بدهی مؤسسات و شرکت‌های دولتی از این رقم، ۳ هزار میلیارد تومان است که این رقم نیز نسبت به تیر ماه ۱۳۹۲، رشدی ۵۰ درصدی را تجربه کرده است.

بررسی تفکیکی بدهی بخش دولتی در دو زمان تیر ماه ۱۳۹۲ و اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ حاکی از آن است که سهم بزرگی از بدهی‌های بخش دولتی توسط دولت ایجاد شده است و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی سهم اندکی در این بدهی دارند.

■ بانک‌های غیردولتی بزرگ‌ترین طلبکاران بخش دولتی

مطابق با آخرین گزارش بانک مرکزی، از ۱۲۸ هزار میلیارد تومان بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی مبلغ ۵۲ هزار میلیارد تومان یا حدود ۴۰ درصد مربوط به طلب بانک‌های غیردولتی از بخش دولتی است. این میزان بدهی بخش دولتی به بانک‌های غیردولتی باعث شده است تا این بانک‌ها به عنوان بزرگ‌ترین طلبکاران بخش دولتی لقب بگیرند. میزان بدهی بخش دولتی به بانک‌های غیردولتی در زمان آغاز به کار دولت یازدهم حدود ۳۰ هزار و ۱۷ میلیارد تومان بوده که این میزان در آن زمان حدود ۴۶ درصد از کل مبلغ بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی را شامل می‌شده است.

بعد از بانک‌های غیردولتی، بانک‌های تخصصی بیشترین میزان طلب از بخش دولتی را به خود اختصاص داده‌اند. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۵ میزان طلب بانک‌های تخصصی از بخش دولتی، ۴۲ هزار میلیارد تومان بوده است. این مبلغ حدود ۳۳ درصد از کل مبلغ بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی می‌باشد. این میزان بدهی در زمان آغاز به کار دولت یازدهم ۱۵ هزار و ۳۷۶ میلیارد تومان بوده است.

بانک‌های تجاری در جایگاه سوم طلبکاران شبکه بانکی از بخش دولتی قرار دارند. میزان طلب این بانک‌ها از بخش دولتی با افزایشی ۱۴ هزار و ۱۷۱ میلیارد تومانی از ۲۰ هزار و ۱۷۱ میلیارد تومان در تیر ماه ۱۳۹۲ به ۳۴ هزار میلیارد تومان در اردیبهشت ۱۳۹۵ رسیده‌اند.

■ نسبت بدهی به سپرده‌های بخش دولتی ۲/۵ برابر شده است

روند بدهی دولت را باید در یک چارچوب متقابل مورد ارزیابی قرار داد، چراکه بخش دولتی نیز پرداخت وام و سپرده‌گذاری نزد بانک‌ها دارد. طبق گزارش‌های بانک مرکزی، میزان وام‌ها و سپرده‌های بخش دولتی نزد شبکه بانکی در زمان آغاز به کار دولت یازدهم ۱۹ هزار و ۴۸۴ میلیارد تومان بوده است که این رقم در آخرین گزارش بانک مرکزی با رشدی ۵۳ درصدی به ۲۹ هزار میلیارد تومان رسیده است.

با آمارهای ذکر شده در بالا، نسبت بدهی به سپرده بخش دولتی در زمان آغاز به کار دولت یازدهم ۱/۸۰ بوده است که این رقم در اردیبهشت سال ۱۳۹۵ به ۴/۴۱ رسیده و تقریباً در این فاصله زمانی ۲/۵ برابر شده است. این بدان معنی است که رابطه بین بانک و دولت به صورت یکطرفه بوده و وجوه از سمت بانک به سمت دولت، جریان دارد.

■ نبود قاعده مشخص در خصوص حجم و رشد بدهی‌های بخش دولتی

مرکز پژوهش‌های مجلس طی گزارشی به بررسی این مشکل پرداخته و نبود قاعده مشخص در خصوص حجم و رشد بدهی‌های دولت به بانک مرکزی را به عنوان یک مشکل جدی مطرح کرده است. در خصوص بدهی دولت به شبکه بانکی نیز آسیب اصلی را متوجه عدم وجود بازار برای بدهی‌های بخش دولتی و رسوب‌دهی آنها در ترازنامه بانک‌ها دانسته است.

این گزارش راه‌حل اصلی به منظور رفع هر دو مشکل ذکر شده که از سالیان قبل همواره مورد تأکید قرار می‌گرفته را اولاً قاعده‌گذاری مشخص (به عنوان مثال، درصدی از تولید ناخالص داخلی یا پایه پولی) برای تعیین سقف استقراض دولت و بانک‌ها از بانک مرکزی و ثانیاً تعریف یک ردیف بودجه مشخص برای بازپرداخت بدهی دولت به بانک‌ها و بانک مرکزی در لوایحه بودجه سالانه عنوان کرده است.

گزارش ۲

هادی غلامحسینی

«جوان» گزارش می‌دهد

تلاش بخش خصوصی برای انحصار بیشتر واردات دارو

نایب رئیس کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق تهران با حمله به سهم دولت و نهادهای انقلابی از صنعت داروی کشور مدعی شده است بخش خصوصی سهم ۳۰ درصدی در صنعت دارو دارد، این در حالی است که این بخش حاکم بلامنازع واردات دارو به کشور است و علاقه‌ای به حضور در بخش تولید دارو ندارد.

به گزارش «جوان»، روزنامه جوان در روز شنبه هفته جاری گزارشی را در مورد انحصار ۹۰ درصدی بخش خصوصی در واردات دارو به ایران منتشر کرد که در پی آن ناصر ریاحی، نایب رئیس کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق تهران مدعی شده سهم بخش خصوصی در حوزه دارو کاهش یافته است.

ناصر ریاحی عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران و نایب رئیس کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق تهران در گفت و گو با سایت خبری اتاق با بیان اینکه در کل ۷۰ درصد از بخش دارو در اختیار بخش‌هایی چون سازمان تأمین اجتماعی، شرکت برکت متعلق به ستاد اجرایی فرمان امام(ره) و بانک ملی در حوزه دارو است مدعی شده است که سهم بخش خصوصی در حوزه دارو بیش از ۳۰ یا ۲۰ درصد نیست.

در حالی عضو هیئت نمایندگان اتاق تهران مدعی است سهم بخش خصوصی از حوزه دارو در حد ۲۰ تا ۳۰ درصد است روزنامه «جوان» در گزارش خود پیش از این اشاره کرده بود، انحصار بخش خصوصی در واردات دارو در حالی به ۸۰ تا ۹۰ درصد از کل داروهای وارداتی به کشور رسیده است که تنها یک شرکت خصوصی سهم ۱۰ درصدی را در واردات دارو از آن خود کرده، این در حالی است که سود نجومی موجود در واردات دارو موجب شده فعالیت هزینه‌بر تولید دارو در اختیار نهادهای دولتی و انقلابی چون گروه دارویی برکت و سازمان تأمین اجتماعی باشد.

ریاحی نایب رئیس کمیسیون اقتصاد سلامت اتاق تهران مدعی است که مجموعه اقدامات دولت در حوزه دارو به کاهش سهم بخش خصوصی در این زمینه منجر شده است که باید گفت بخش خصوصی به دلیل سودهای ویژه موجود در واردات دارو به کشور اصلاً علاقه‌ای به حضور در بخش تولید دارو در کشور ندارد، به‌طوری که امروزه با وجود تأسیس یک شهردارویی در منطقه کردان کرج توسط یک نهاد انقلابی و دعوت از بخش خصوصی در این منطقه برای حضور در بخش تولید، بخش خصوصی به دلیل ریسک موجود در تولید حاضر به حضور در این منطقه جهت تولید دارو نشده است.

واردکنندگان بخش خصوصی دارو مرتباً در محافل خصوصی و عمومی با گلایه از بخش دولتی مدعی هستند دولت، نهادهای وابسته و ارگان‌های انقلابی در حوزه دارو از انحصار سنگینی برخوردارند و این بخش‌ها ۸۰ درصد تولید داروی کشور را در اختیار دارند که این اظهارات را باید از شیطنت بخش خصوصی دانست که با فرافکنی و مظلوم‌نمایی افکار عمومی را از انحصار ۹۰ درصدی بخش خصوصی از واردات پرسود دارو به کشور منحرف کند. متأسفانه برخی از واردکنندگان بخش خصوصی دارو از طریق پرداخت پاداش یا درج آگهی در نشریات یا تأمین هزینه کنگره‌های پزشکی یا تأمین هزینه مسافرت‌های خارجی برای برخی از پزشکان جهت شرکت در کنگره‌های پزشکی موجب شده‌اند تا برخی از پزشکان کشور در نسخه بیماران داروهای وارداتی توسط بخش خصوصی را تجویز کنند و در حرکتی سازمان‌یافته به تبلیغ داروی وارداتی خارجی و بی‌کیفیت جلوه دادن داروهای تولید داخل کشور بپردازند.

تمرکز بر واردات دارو توسط بخش خصوصی این بخش را امروز به حاکم و سلطان بلامنازع واردات دارو به ایران تبدیل کرده و این بخش گویا در حال زمینه‌چینی از طریق کارهای تبلیغاتی، برای افزایش انحصار خود در واردات دارو از ۹۰درصد فعلی به صددرصد است.

گفتنی است سه هلدینگ تولیدکننده دارو در کشور که عمدتاً دولتی و عمومی هستند در سال ۹۴ بالغ بر ۲۰۰ میلیارد تومان مالیات پرداخت کردند، حال باید سازمان امور مالیاتی پاسخ دهد که مالیات پرداختی واردکنندگان بخش خصوصی دارو چقدر است، زیرا ارزش ریالی بازار واردات دارو با ارزش ریالی بازار تولیدکنندگان داخلی دارو برابری می‌کند و اگر مالیات پرداختی واردکننده کمتر از تولیدکننده دارو در کشور باشد مشخص می‌شود که فرار مالیاتی بزرگی در این بخش پرسود واردات وجود دارد.

امروزه متأسفانه ۹۰ درصد واردات پرسود دارو در اختیار و انحصار افراد و شرکت‌های بخش خصوصی و شرکت‌های خانوادگی است و افزایش قابل ملاحظه سهم بخش خصوصی در واردات دارو این ضرورت را ایجاد می‌کند که سازمان بازرسی کل کشور و شورای رقابت سازمان غذا و دارو به مقوله ایجاد رقابت سالم در واردات دارو به کشور و جلوگیری از رانت‌های عظیم و بادآورده ورود کنند.

برخی از سرمایه‌داران بخش خصوصی با خرید سهام مدیریتی و عمده کارخانجات کوچک داروسازی، در پوشش تولیدکننده دارو، اقدام به واردات گسترده دارو به کشور می‌کنند که باید جلوی این اقدام غیرقانونی و نامشروع گرفته شود.

مافیای واردات دارو به این دلیل اعلام می‌کند که صنعت دارو در اختیار نهادهای انقلابی و دولتی است تا هم صنعت انحصاری واردات دارو را برای خود حفظ کند و هم اینکه با زمینگیر کردن و از میدان به در کردن تولیدکننده‌های دارو سهم واردات دارو به بازار ایران را بیش از پیش افزایش دهد. به نظر می‌رسد این بساط هوچی‌گری باید از میان برداشته شود زیرا توسعه واردات دارو و افزایش انحصار بخش خصوصی در واردات دارو برخلاف نص صریح سیاست‌های کل نظام و اقتصاد مقاومتی است.

در این بین باید بخش خصوصی نیز در کنار بخش‌هایی چون هلدینگ دارویی تأمین اجتماعی، بانک ملی و گروه انقلابی دارویی برکت، انرژی و سرمایه خود را روی تولید دارو در داخل کشور بگذارد تا معادله زیانبار کنونی واردات دارو کاملاً عکس شود، به نحوی که ۹۰ درصد واردات داروی ضروری به کشور در اختیار دولت و نهادهای انقلابی چون گروه دارویی برکت و ستاد فرمان اجرایی امام قرار گیرد تا بدین واسطه در کنار برچیده‌شدن چالش‌هایی چون گرانفروشی، کم‌فروشی، احتکار، فرار مالیاتی، خطرات بیولوژیکی ناشی از واردات دارو توسط بخش خصوصی (به دلیل آنکه عمده تولیدکنندگان دارو در دنیا تحت نفوذ صهیونیست‌ها هستند) شاهد رشد و شکوفایی صنعت دارویی کشور و تقویت نظارت بر عملکرد واردکنندگان دارو در کشور باشیم.

بی‌توجهی نهادهای نظارتی چون سازمان غذا و دارو، سازمان بازرسی و شورای رقابت به واردات دارو باعث شده است سهم بخش خصوصی از حوزه واردات دارو به ۹۰ درصد افزایش یابد و یک شرکت خصوصی واردات ۱۰ درصد از ارزش ریالی کل داروی مصرفی کشور را در اختیار بگیرد که این امر نشانه نفوذ خزنده و خطرناک افرادی برای به انحصار کشیدن ۱۰۰درصدی واردات داروی کشور است، از سوی دیگر حضور نداشتن نماینده دائم سازمان بازرسی کل کشور در سازمان غذا و دارو سلامت عمومی مردم جامعه را به خطر می‌اندازد.

صنعت

تکرار تجربه اشتباه گذشته در ایران‌خودرو

ایران در آذربایجان خودرو می‌سازد

پس از راه‌اندازی خط تولید خودرو در سوریه، بلاروس و ونزوئلا در سال‌های ۸۵و ۸۶ به بهانه‌های سیاسی در دولت قبل، این بار نوبت به ایجاد خط تولید در کشور آذربایجان رسیده است. اخبار رسیده حاکی از آن است که در جریان سفر رئیس جمهور به آذربایجان قرارداد ساخت خط تولید محصولات ایران‌خودرو در باکو نهایی شده و ظرف ۹ ماه آینده راه‌اندازی خواهد شد.

ایجاد خطوط تولید خودرو در خارج از ایران در دولت نهم پایه‌گذاری شد و ایران‌خودرو در سال ۸۵ به بهانه‌های سیاسی مجاب شد در کشورهای سوریه، بلاروس و ونزوئلا سرمایه‌گذاری کرده و خودروی ملی سمند را در این کشورها تولید کند. در آن زمان صاحبنظران با ایجاد این خطوط تولید و سرمایه‌گذاری مخالف بودند، ولی بنا به دلایلی این خطوط راه‌اندازی شد اما در زمان کوتاهی، با آغاز جنگ در سوریه و عدم‌استقبال مردم از خودروهای تولیدی در بلاروس و ونزوئلا، این طرح با شکست مواجه و زیان هنگفتی به گروه صنعتی ایران‌خودرو وارد شد. اکنون پس از ۱۰ سال این گروه خودروسازی به رغم شکست پروژه‌هایش در گذشته، بار دیگر این تجربه را تکرار می‌کند. اینکه این بار نیز مقاصد سیاسی در پشت پرده این قرارداد باشد، چندان دور از ذهن نیست اما نکته مورد توجه این است که نه رئیس انجمن خودروسازان و نه کارشناسان خودرو هیچ‌کدام حاضر به اظهار نظر در این خصوص نیستند و نعمت‌زاده که در دولت دهم مدام با خبرنگاران در دفاع از حقوق خودروسازان مصاحبه می‌کرد، چند سالی است سکوت اختیار کرده است.

روز گذشته وزیر صنعت، معدن و تجارت ایران با اشاره به آغاز ساخت خط تولید محصولات ایران‌خودرو در باکو گفت: این خط تولید نیمه نخست سال آینده در شهرک صنعتی نفت چاله آذربایجان به بهره‌برداری می‌رسد. به گفته وی، این پروژه با سرمایه‌گذاری ۱۴میلیون دلاری طرف آذربایجانی، نیمه نخست سال آینده به بهره‌برداری خواهد رسید و محصولات برند ایران‌خودرو شامل خودروهای دنا، رانا، سمند و سورن در آن تولید خواهد شد.

آن طور که خبرگزاری‌ها گزارش داده‌اند، محمدرضا نعمت‌زاده، وزیر صنعت، معدن و تجارت در حاشیه مراسم آغاز ساخت خط تولید محصولات ایران‌خودرو در باکو گفت: این خط تولید نیمه نخست سال آینده در شهرک صنعتی نفت چاله آذربایجان به بهره‌برداری می‌رسد، از این رو آمادگی کامل داریم تا ضمن آموزش نیروهای انسانی، تکنولوژی و دانش فنی لازم برای تولید محصولات ایران خودرو را نیز به کشور آذربایجان انتقال دهیم. همچنین مدیرعامل گروه صنعتی ایران‌خودرو گفت: یکی از محورهای اصلی استراتژی صادراتی ایران‌خودرو، کشورهای آسیای مرکزی هستند و جمهوری آذربایجان به دلیل سابقه همکاری و روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌تواند پایگاه تولیدی - صادراتی ایران‌خودرو در این منطقه باشد.

هاشم یکه‌زارع ادامه داد: بررسی‌ها و آمارها نشان می‌دهد خودروسازانی در سال‌های آینده موفق خواهند بود که علاوه بر بازارهای داخلی، با افزایش توان رقابتی، سهمی از بازار بین‌المللی را نیز در اختیار داشته باشند. وی افزود: ایران‌خودرو بخشی از تمرکز خود در زمینه صادرات را روی همسایگان شمالی کشور قرار داده چون به دلایل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زمینه فعالیت در این کشورها فراهم است.

مدیرعامل گروه صنعتی ایران‌خودرو گفت: بیشترین سهم ما در راه‌اندازی این خط تولید دانش فنی و انتقال تکنولوژی خواهد بود. گفته می‌شود ظرفیت تولید این سایت سالانه ۱۰ هزار دستگاه در یک شیفت کاری است و برای ۳۰۰ نفر، اشتغالزایی خواهد کرد. همچنین بنا شده تولیدات این کارخانه در آذربایجان و دیگر کشورهای آسیای مرکزی به فروش برسد.

بانک

۷۷ درصد تسهیلات قرض‌الحسنه ۴ بانک به کارکنانشان اعطا شد

بررسی صورت‌های مالی چهار بانک نشان می‌دهد، ۴ بانک در سال ۹۴ در مجموع ۴ هزارو ۲۴۶ میلیارد ریال تسهیلات قرض‌الحسنه پرداخت کرده‌اند که سهم کارکنان آنان ۷۷/۶ درصد بوده است.

به گزارش فارس، محدودیت منابع همواره به عنوان یکی از چالش‌های پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج عنوان می‌شود. مسئولان بانک مرکزی هم پس از مطرح شدن افزایش سقف وام ازدواج به ۱۰ میلیون تومان اعلام کردند منابع قرض‌الحسنه بانک‌ها محدود است و اجرای این مصوبه بانک‌ها را با مشکل مواجه می‌کند.

مدیرمحمد صادقی مدیر کل اعتبارات بانک مرکزی اردیبهشت ماه امسال در نشستی خبری با تأکید بر محدودیت منابع بانک‌ها، گفت: هم‌اکنون در قبال ۳۵ هزار میلیارد تومان سپرده پس‌انداز قرض‌الحسنه، ۳۶ هزار میلیارد تومان تسهیلات قرض‌الحسنه پرداخت شده است که نسبت ۱۱۱ درصدی را نشان می‌دهد.

میرمحمد صادقی ادامه داد: در واقع اگر سپرده قانونی ۱۰ درصدی را از منابع قرض‌الحسنه بانک‌ها کسر کنیم، بانک‌ها باید ۹۰ درصد منابع را تسهیلات پرداخت می‌کردند، اما این رقم هم‌اکنون ۱۱۱ درصد است که البته در برخی بانک‌های خصوصی به ۱۳۰ درصد هم رسیده است.

وی در واکنش به این نکته که برخی می‌گویند بانک‌ها منابع قرض‌الحسنه را به کارکنان خود پرداخت می‌کنند، اظهارداشت: حجم کل تسهیلاتی که بانک‌ها در این قالب به کارکنان خود می‌دهند، حدود ۲۰ درصد منابع است که ما بارها به بانک‌ها تأکید کرده‌ایم تسهیلات قرض‌الحسنه ویژه به کارکنان خود ندهند، البته طبق قانون بانک‌ها منعی برای این کار نداشته‌اند.

سیف: بانک‌ها با تنگنای مالی روبه‌رو هستند

رئیس کل بانک مرکزی تأکید کرد با وجود افزایش ۴۴درصدی اعطای تسهیلات در سه ماه نخست امسال نسبت به دوره مشابه سال ۱۳۹۴، بانک‌ها با تنگنای مالی و محدودیت منابع روبه‌رو هستند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی معاون اول رئیس‌جمهوری، ولی‌الله سیف عصر شنبه در نشست استانداران با معاون اول رئیس‌جمهوری در وزارت کشور یادآوری کرد: پارسال ۴ بیلیارد و ۱۷۰ هزار میلیارد ریال (۴۱۷هزار میلیارد تومان) تسهیلات از سوی نظام بانکی ارائه شد که در سه ماهه نخست امسال نسبت به سال پیش ۴۴ درصد افزایش یافت.

سیف افزود: یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۹۵ از سوی بانک مرکزی با جدیت دنبال می‌شود و بانک مرکزی هم اکنون پیش‌نیازهای اجرای این برنامه را دنبال می‌کند. حمید چیت‌چیان هم در این نشست اعلام کرد برای نخستین بار در تاریخ مدیریت منابع آب، دولت موفق شده است هم در بخش آب‌های سطحی و هم در بخش آب‌های زیرزمینی برنامه‌ریزی دقیقی را به تفکیک حوضه آبریز، استان‌ها و دشت‌های مختلف انجام دهد. وزیر نیرو گفت: وزارت نیرو اولویت ویژه‌ای برای بخش صنعت قائل شده‌است؛ زیرا ارزش افزوده و اشتغال قابل توجهی در بخش صنعت وجود دارد.